

پائولو جاکومتی

قانون شکن

ملودرام در پنج پرده

ترجمه از ایتالیایی

عباس علی عزتی

مترجم برگزیده‌ی هشتمین دوره‌ی انتخاب آثار برتر ادبیات نمایشی



- سرشناسه : جاکومتی، پائولو، ۱۸۱۶ - ۱۸۸۲ م. Giacometti, Paolo
- عنوان و نام پدیدآور : قانون شکن: ملودرام در پنج پرده / پائولو جاکومتی - ترجمه‌ی عباس علی عزتی.
- مشخصات نشر : تهران: نشر بلدردچین، ۱۴۰۴.
- مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.
- شابک : ۷-۷ - ۹۱۸۲۲ - ۹۱۸۲۲ - ۶۲۲ - ۹۷۸
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : La morte civile عنوان اصلی
- موضوع : نمایشنامه‌ی ایتالیایی -- قرن ۱۹ م.
- شناسه افزوده : عزتی، عباس علی، ۱۳۴۷ - ، مترجم
- رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ج ۲/۴ PQ ۴۶۹۲
- رده بندی دیویی : ۸۵۲/۸
- ش کتبشناسی ملی : ۳۱۰۲۹۷۱



نشر بلدرچین

نشانی دفتر مرکزی:

تهران، خیابان شریعتی، خیابان صالحی، خیابان نیرومند، شماره ۳۶

تلفن دفتر مرکزی: ۷۷۵۳۲۴۹۱

تلفن مرکز پخش: ۰۹۰۲۵۷۰۵۴۴۱

پست الکترونیک: belderchin.pub@gmail.com

اینستاگرام: belderchin.pub

خانوشکن

پائول جاکومتی

ملودرام: پیچ پرده

ترجمه‌ی عباس نخی عزتی

چاپ دوم: ۱۴۰۴ (چاپ اول نشر بلدرچین)

چاپ قبلی: انتشارات افراز، ۱۳۹۴

طراح جلد: ع. عزتی

چاپ و صحافی: قشقای

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۷-۷ - ۹۱۸۲۲ - ۶۲۲ - ۹۷۸

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر بلدرچین است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر منوط به دریافت اجازه‌ی کتبی از ناشر یا مترجم است.

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	قانون شکن
۱۰۵	درآمدی بر تئاتر ایتالیا

مقدمه‌ی مترجم

پائولو جاکومتی (۱۸۱۶-۱۸۸۲)، از نمابشنامه‌نویسان برجسته‌ی قرن نوزده ایتالیا، به‌ویژه دوره‌ی پرتلاطم استقلال‌طلبی^۱ است؛ دوره‌ای سرشار از بیم و امید که مردم مناطق مختلف شبه‌جزیره‌ی آیین برای رهایی از سلطه‌ی بیگانگان و تشکیل دولتی واحد (ایتالیای امروز) مبارزه می‌کردند. جاکومتی ۱۹ ساله و در شهر جنوا دانشجوی بود که درامش «روزیلده»^۲ - در سن د، خشید و موفقیتی شایان توجه برایش به‌ارمغان آورد. او از سال ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۰، تزاردی‌های لوئیزا استروتزی، پائولو دی فورناری، گودبرتو پادشاه لومباردی، خانواده‌ی لیکاری، و درام دومینیکینو را به‌رشته‌ی تحریر درآورد. پائولو جاکومتی برای گروه‌های دوره‌گرد مختلفی می‌نوشت که موظف بودند تعدادی نمایش برای اجرا در تاریخ‌های معینی آماده کنند، به همین علت آثار او غالباً در شرایطی نامساعد نوشته می‌شد. بااین‌حال اجرای بسیاری از نمایشنامه‌هایش موفقیت شایان توجهی به‌دست آورده است. کمدی شاعر و بالرین در سال ۱۸۴۱ (بازنویسی نهایی: ۱۸۸۰) در بیشتر تئاترهای ایتالیا به‌روى صحنه رفت و به‌دنبال موفقیت

چشمگیر آن، درام تاریخی کریستف کلمب، کمدی های چهار زن در یک خانه، زن تبعیدی، دختر و مادر و یک شعر و یک حواله و تراژدی ایزابلا دل فیه سکو در تئاترهای ایتالیا به اجرا درآمد. بیشتر نمایشنامه های او الهام گرفته از مسائل سیاسی و اخلاقی است. جاکومتی به تدریج به کلاسیسم پشت می کند و در نمایشنامه هایش به تلفیق ویژگی های کمدی و تراژدی می پردازد. قهرمان های آثارش عمدتاً شخصیت هایی هستند که کاملاً واقع گرایانه طراحی شده اند. همین سبک یکی از دلایل اصلی استقبال تئاترهای قرن نوزدهم ایتالیا از نمایشنامه های پائولو جاکومتی بود.

پائولو جاکومتی بیش از هشتاد نمایشنامه در ژانرهای درام، ملودرام، کمدی و تراژدی نوشته است که علاوه بر آثار پیش گفته می توان به این عناوین نیز اشاره کرد: تُرکواتو تاس، خودیتا، بیانکا ماریا ویسکوتی، سوفوکل، ماری آنتوانت، قانون شکن، بانو، هیافه، منس، زن در ازدواج دوم (کمدی شخصیت به سبک کارلو گولدونی)، پائولو جاکومتی شعر تغزلی نیز می سرود. مجموعه ای آثار نمایشی او با عنوان «L'opera Scelta» در پنج جلد از ۱۸۵۷-۱۸۷۱ در مانتووا و میلان منتشر شده است.

تراژدی حماسی ایتالیا در نیمه ی دوم قرن ۱۹ جای خود را به ملودرام داد. ملودرام در کنار کمدی با موفقیت بسیار به اجرا در می آمد و با استقبال شایان توجه مردم روبه رو می شد. بهترین نویسنده ی ملودرام در این دوره پائولو جاکومتی بود که قانون شکن (۱۸۶۱) او یکی از پراچرا ترین ملودرام های قرن ۱۹ به شمار می رود. اولین اجرای قانون شکن ششم سپتامبر ۱۸۶۱ در تئاتر فرمو بود و نقش کُرادو را بازیگر سرشناس تراژدی، ارنستورسی بازی می کرد. قانون شکن علاوه بر تسخیر صحنه های تئاتر ایتالیا، به زودی در کشورهای دیگر اروپا نیز ترجمه و اجرا شد. در فرانسه امیل زولا، نویسنده ی نامدار ناتورالیست، آن را دید و بسیار پسندید، و در روسیه الکساندر استروفسکی، درام نویس بزرگ قرن

۱۹ روسیه، ۹ سال پس از تألیف قانون‌شکن آن را به روسی ترجمه کرد و عنوان خانوادگی مرد جنایتکار را بر آن گذاشت. از ۲۸ نمایشنامه‌ای که استروفسکی از درام‌نویسان بزرگی چون شکسپیر، گولدونی، سروانتس، جاکومتی و غیره ترجمه کرده، فقط قانون‌شکن پانولو جاکومتی با موفقیت بسیار به اجرا درآمده است. این نمایشنامه از سال ۱۸۷۵ تا ۱۹۱۷ بیش از ۲۲۰۰ بار در تئاترهای سنت‌پترزبورگ (سن‌پترزبورگ) و شهرهای دیگر روسیه اجرا شد.

انتخاب شخصیت اصلی ملودرام از میان اقشار فرودست جامعه یکی از ویژگی‌های بارز مله رام‌نای دوره‌ی استقلال‌طلبی است. قهرمان ملودرام‌های این دوره معمولاً از قشر محروم جامعه است که برای ساختن زندگی شخصی خود تلاش می‌کند. طرح و توطئه پیچیده، جهت‌گیری اخلاقی، و برانگیختن احساسات تماشاگر از دیگر ویژگی‌های ملودرام بورژوازی است که قانون‌شکن پانولو جاکومتی را نیز شامل می‌شود. قانون‌شکن هم‌بازی این ویژگی‌ها را دارد و طرح و توطئه پیچیده‌ی آن، که با سرعت نور می‌یابد، بیش از هر ویژگی دیگری جلب توجه می‌کند. داستان در ایتالیای دوره‌ی زندگی نویسنده می‌گذرد. پرداختن به زندگی معاصر در زمان جاکومتی فقط در ژانر ملودرام میسر بود. موضوع قانون‌شکن موضوعی خانوادگی است و نمایشنامه در گروه نمایشنامه‌های خانوادگی جای می‌گیرد. ازدواج کُرادو و زنش رزالیبا، مخالفت پدر و برادر رزالیبا و به‌رو می‌شود. یک سال و اندی پس از ازدواج آن‌ها، کُرادو با برادرزنش آلونزو درگیر می‌شود و ناتوان از مهار خشم خود، او را می‌کشد. کُرادو به جرم قتل به حبس ابد محکوم می‌شود و به زندان می‌افتد. رزالیبا و دختر کوچکش تنها می‌مانند. خانواده آن‌ها را طرد می‌کنند و در اوج فقر و بدبختی، دکتر پالمیه‌ری به آن‌ها پناه می‌دهد. پالمیه‌ری که زن و دخترش را از دست داده، نگران از آینده‌ی دختر رزالیبا و کُرادو، اسم دختر مرده‌ی خود را روی دختر آن‌ها «آدا» می‌گذارد و او را به‌عنوان دختر خود و رزالیبا را دایه‌ی او معرفی می‌کند.

آن‌ها این واقعیت را حتی از خود آدا هم پنهان می‌کنند تا در جوانی به‌خاطر جنایت پدرش کُرادو احساس حقارت و سرشکستگی نکنند. لطف دکتر پالمیهری به رزاليا باعث علاقه‌ی او به دکتر می‌شود، اما چون شوهر رزاليا هنوز زنده است و طبق آیین کاتولیک او اجازه‌ی طلاق و ازدواج مجدد ندارد، دکتر پالمیهری و رزاليا هرگز جرأت نمی‌کنند علاقه‌ی خود را بروز دهند و حرفی از احساس خود به میان بیاورند.

منور رزاليا در خانه‌ی دکتر پالمیهری کنجکاوای کشیش را، که نگران اخلاقیات مردم است، برمی‌انگیزد. کُرادو بعد از سیزده‌سال از زندان فرار می‌کند و در جست‌وجوی زنش رزاليا و دخترش آدا سر از صومعه‌ی کشیش درمی‌آورد. از منور زن و دخترش در خانه‌ی دکتر پالمیهری آگاه می‌شود، اما زنش تمایلی به دیدن او ندارد و دخترش او را نمی‌شناسد و از وی می‌ترسد. رزاليا به کُرادو التماس می‌کند که زنش را خراب نکند و حقیقت تلخ را برای او فاش نکند. کُرادو می‌پذیرد که برای این که زن و دخترش در رفاه و آسایش زندگی کنند، زهر می‌خورد تا با هر کش مانع طلاق و ازدواج مجدد رزاليا را از میان بردارد.

کُرادو شفاف‌ترین شخصیت نمایشنامه‌ی قانون شکن است، طبعی غنی و پاکیزه دارد و از سلامت درون و وجدان بهره‌مند است. او مرتکب جنایت شده، اما جرمش برای نویسنده قابل توجیه است: کُرادو تندخو و آتشین مزاج است و نمی‌تواند زیر بار زور برود، برای همین وقتی آلونزو مزاحم زندگی و خانواده‌اش می‌شود، او را می‌کشد. مهم‌ترین ویژگی شخصیت کُرادو از خودگذشتگی است. این صفت قهرمان، گناه او را کاملاً می‌شوید و مقامش را از مقام مردم معمولی جامعه بسیار بالاتر می‌برد. از خودگذشتگی یکی از اصول اخلاقی مطرح در رساله‌های اخلاق دوره‌ی استقلال‌طلبی بود و رفته‌رفته به‌صورت ویژگی بارز قهرمان رمانتیک ایتالیایی درآمد. هرچند فداکاری و از خودگذشتگی کُرادو

به خاطر عشق و خانواده است، نه در راه مبارزه برای میهن، اما از نظر جاکومتی این مسأله ارزش کار کردو را کم نمی‌کند و قهرمان رانده‌شده از جامعه می‌تواند سرش را بالا بگیرد و به پیروزی اخلاقی خود بی‌الد.

کشمکش اصلی قانون‌شکن آن را به نمایشنامه‌ی اجتماعی-روان‌شناختی نزدیک‌تر می‌کند. کشمکش رنگ و بوی اخلاقی و اجتماعی به خود می‌گیرد و کردو در عین ارائه‌ی شخصیتی مهذب از خود به ستیز با نظام استبدادی کاتولیک برمی‌خیزد. کردو هم‌زمان با کشیش و دکتر پالمیه‌ری، که نماینده‌ی دو قشر رودرروی جامعه هستند، مخالفت می‌کند. دکتر پالمیه‌ری نماد آسایش و رفاه اجتماعی است و کشیش نماد قانون و آیین کاتولیک. پرداخت شخصیت کشیش متأثر از نگاه بورژوازی به منور و نفوذ کلیسا در زندگی مردم قرن ۱۹ ایتالیا است. کشیش تمام جامعه را در صحن حضور خود می‌پندارد و هر چیزی را که نمی‌پسندد، طرد می‌کند و به‌عنوان «نافه» نگاهبان اخلاقیات جامعه در مقام عمل برمی‌آید: آگاتا و دن فرناندو را مأمور می‌کند تا خانه‌ی دکتر پالمیه‌ری را زیر نظر بگیرند و از راز حضور رزالیا در خانه‌ی ارسب دیبیاورند. به اتاق خواب دکتر پالمیه‌ری سرک می‌کشد و با سوءظن رفتار و گفتار پالمیه‌ری را تعقیب می‌کند. از پالمیه‌ری دل خوشی ندارد، چون تصویر جوردانو با فرزند کامپانلا را به دیوار خانه‌اش نصب کرده است. کشیش به خواهرزاده‌اش دن فرناندو می‌گوید: «پالمیه‌ری یه بار پاش به کلیسا خورده؟ هرگز. یه شمایل مقدس، که کشیدنش اون همه سفارش شده، رو دیوار خونش کشیده؟ نه! معجزه‌ی سن جنارو براش چه مفهومی داره؟ هیچ‌چی! یه خرافه‌س که پدر روحانی برا سرکیسه کردن مردم علم کرده. تو این خونه تا دلت بخواد کتاب‌های مضر می‌خونن. بی‌دین یه بار تو عمرش دستش به دعا بلند نشده. غیر از یه تابلو که فکر می‌کنه اثر چلینیه، اگه تو خونش تصویری از مریم مقدس یا یه قدیس پیدا کردی!... به جاش تو کتابخونه‌ش تا دلت بخواد تصویر سارپی، آرنالدو، جوردانو برونو،

کامپانلا، فیلانجیه‌ری، فرانچسکو کونفورتی و دومینیکو چیریلو زده.» در جای دیگری در جواب فرناندو که حسن شهرت دکتر پالمیه‌ری را به او یادآوری می‌کند، می‌گوید: «من که جز فساد و هرزگی و رسوایی چیزی ازش ندیده‌م. این مرد برای اخلاق مردم همون قدر مضره که برای اعتقادشون.»

دکتر پالمیه‌ری که زن و دختر کرادو را پناه داده، شخصیتی جذاب و منطقی دارد و جاکومتی او را به‌عنوان نماینده‌ی بورژوازی قرن ۱۹ ایتالیا در قانون بکن آورده است. این نماد آسایش و آرامش و رفاه، طبعاً باید خلق و خویی آرام و منطقی داشته باشد، که در دکتر پالمیه‌ری دیده می‌شود، باید از تعصب و تنگ‌نظری دور باشد که دکتر پالمیه‌ری با خرد و آینده‌نگری‌اش این انتظار را برآورده می‌کند. درد و رنج داشت پالمیه‌ری از اخلاقیات اومانستی است و در نقطه‌ی مقابل جانبداری‌اش از اخلاقیات قرار می‌گیرد. پالمیه‌ری در عین حال شخصیتی جدی دارد و در باره‌ی موارد بیش از حد استدلالی است، به‌ویژه آن‌جا که می‌خواهد کرادو را متقاعد کند که دست از زن و دخترش بکشد و آرامش آن‌ها را برهم نزند، او حتی خود را مستحق‌تر از کرادو می‌داند و به نظر می‌رسد حق‌چندانی برای او به‌عنوان شوهر و پدر قائل نیست. شخصیت پالمیه‌ری تا اندازه‌ای ایرونیکی نیز هست، در پایان، در عین معلوم نمی‌شود آیا جاکومتی می‌خواهد لطف پالمیه‌ری به زن و فرزند کرادو را تکریم کند یا پالمیه‌ری را در فرجام تراژیک زندگی کرادو و تباه شدن حق خوشبختی او مقصر می‌داند.

به نظر می‌رسد قانون شکن نام مناسبی برای نمایشنامه‌ی جاکومتی باشد، او در واقع با انتخاب این عنوان بر اصول ملودرام نمایشنامه‌ی خود تأکید گذاشته است. جاکومتی برای خلق شخصیت اصلی نمایشنامه‌اش بیش‌تر از آن‌که از رخدادهای اجتماعی سود ببرد، به مجموعه‌ای از حوادث دردناک و ناخوشایند متوسل می‌شود. قانون شکن پر شده است از صحنه‌های احساسی و اشک‌آور.

در پایان نمایشنامه کشمکش‌های اجتماعی به صورت ناگهانی و غیرمنطقی آرام می‌شود و فرو می‌خوابد، و نویسنده به تکریم پاکدامنی و فداکاری می‌پردازد. جاکومتی در قانون‌شکن از عناصر نمایش روان‌شناختی نیز بهره می‌گیرد. نحوه‌ی روایت «بازگشت قهرمان» جالب توجه است. اوج روایت زمانی است که قهرمان از همه‌چیز می‌گذرد و در نهایت از خودگذشتگی و فداکاری زهر را می‌نوشد. وضعیت قهرمان در این لحظه کاملاً احساسات مخاطب را تحریک می‌کند؛ کردوی خطاکار با فداکاری در حق زن و فرزندش به عملی قهرمانانه دست می‌زند تا دیگران را خوشبخت کند و با این کار قهرمانانه گناهش را پاک می‌کند. دوگانگی و ایهام شناسیت کردو با ارزش‌ها و اصولی مطابقت می‌کند که بعدها به نام رمانتیسم در ادبیات برافراشت.